

تاریخ تشکیلات سیاسی و حقوقی در جهان

۶

هند و اروپائیا

هندویک ویلم وان لون چنین مینویسد .

ایرانیان هند و اروپائی بر اقوام سامی و بر کشور مصر دست یافتند از زندگانی مصریان و بابلیها و آشوریها و فینیقی هاتقریباً سی قرن میگذشت و در اقوام کهنسال حوزه نیل رفته رفته آثار خستگی پدیدار بود و سرنوشتشان با ظهور ملت جوان و نیرومندی که در دامنه افق نمودار گردیده بود پایان یافت این مردم تازه راهند و اروپائی گویند چون آنها تنها بر خاک اروپا استیلا نیافتند بلکه در خاک هندوستان نیز حکومت را بدست گرفتند .

این قوم پیش از آنکه در میدان تاریخ ظاهر شوند چندین قرن در سواحل دریای خزر سکونت داشتند تا آنکه بقصد کشف مسکن و مأوای تازه بگردش پرداختند گروهی از این مردم بسر زمین کوهستانی آسیای وسطی سکونت کردند و دسته دیگر بجانب باختر روانه شدند و بر خاک اروپا استیلا یافتند اینک بدنبال دسته اول میرویم و بطور اختصار از مدنیت و عاقبت آنها بحث کرده و پس از آن سرنوشت دسته دوم را که قوم هن نامیده میشوند مورد مطالعه قرار میدهیم .

دسته اول در نواحی کوهستانی آسیای غربی رحل اقامت افکنده و بطوریکه مورخین یونانی نوشته‌اند بنام مدها و ایرانیان تشکیل سلطنت دادند در بدو تشکیل نیم مستقل بودند ولی طولی نکشید که باوج استقلال و عظمت رسیدند .
بیش از دو قرن طول نکشید که مدها امپراطوری آشور را سرنگون کردند و نینوا را که پای تخت آن بود ویران کرده و نژاد سامی را نابود نمودند^۱ .

از آن پس نوبت بقوم آریائی رسید و تمدن آریائی جانشین تمدن سامی گردید نینوا در سال ۶۱۲ قبل از میلاد بوسیله مدها و بابل در سال ۵۳۸ قبل از میلاد بوسیله کورش پادشاه ایران سقوط کرد بنا بر این ارتباط دو قوم ایرانی و آریائی نژاد از موضوعات مهم تاریخ است زیرا این دو قوم در وجود آوردن صفحه جدیدی در تاریخ جهان یعنی امپراطوری ایران همگام و همراه بودند .

قوم آریائی نژاد و ایرانی بودند که سپیده دم دوران ماقبل تاریخ فلات ایران و دشتهای شمالی هندوستان را در اختیار گرفته و پس از چند قرن با خصایص مردانه‌ای که از سرزمین باستانی با خود آورده بودند دنیا را تحت تأثیر قرار دادند و در مدت کمی موفق بایجاد امپراطوری عظیمی شدند که تا آن زمان جهان بخود ندیده بود شاید از نظر مورخین امروز بارزترین شخصیت دوره شرق قدیم کورش کبیر باشد و این شهرت وی مربوط بنبوغ و عظمت واقعی او از لحاظ کشور گشائی تنها نیست بلکه قسمت اعظم شهرتش برای بنیاد گذاری تشکیلات سیاسی و مملکت داری اوست چنانچه قوم یهود در سراسر تاریخ کهن خود هرگز روش سیاسی آزادخواهانه کورش کبیر را درباره خود فراموش نکردند^۲ .

قوم یهود که در تبعید گاه بابل بسر میبردند کورش کبیر اجازه داد باورشلمیم مراجعت کنند این فرمان کورش در قوم یهود چنان اثری از خود باقی گذارد که در کتاب عهد عتیق (عزرا) کتاب مذهبی یهود و بالتبعیه در انجیل مسیحیان نام کورش ببزرگی یاد شود .

۱- تاریخ میراث ایران ص ۲۷ ۲- تاریخ ملل شرق البرماله .

کورش کبیر پس از فتح بابل بعکس فرمانروایان پیش که در اثر تمرکز مجسمه خدایان در بابل رنجش رهبانان و مردم را فراهم کرده بود رفتار کرد و اجازه داد آثار مقدسه مذهبی را بمرکز خود ببرند یهودیان بسپاسگذاری از این اقدام نام کورش بزرگ و سایر شاهنشاهان ایران را در کتابهای دانیال و سایر کتب مذهبی خود به نیکی یاد کردند و از همین راه دنیای غرب را بقوانین ماد و ایران آشنا کردند فتح ماد و بابل و مصر همه در نیمه دوم قرن ششم قبل از میلاد بوقوع پیوست و ایرانیان امپراطوری بزرگی که شامل قسمت اعظم دنیای کهن بود و از هندوستان تا دریای اژه و از دریای جیحون تا دریای عربستان امتداد داشت بوجود آوردند داریوش که سومین فرد سلسله خود بود حدود امپراطوری ایران را تا دریای اژه و خاک یونان رسانید .

داریوش کبیر نخستین فرمانروای ایرانی است که تشکیلات سیاسی بزرگی بوجود آورد و سرمشتقی بجهان داد که دوره تواریخ قدیم تا آن زمان در جهان فقط امپراطوری روم همطراز آن بود :

مردم ایران بر خلاف قوم آشور تنها بکشور ستانی نمی پرداختند بلکه بلاد مفتوحه را با مقررات و نظاماتی سروسامان میدادند داریوش پس از آنکه از کشمکش های داخلی فارغ شد نظاماتی بمقتضای روز در مملکت مقرر داشت که مقررات تحت الحمایگی نامیده میشدند حکومتی که فرانسویها در تونس و مراکش داشتند آداب و عادات و رسوم و زبان و مذهب دول تحت الحمایه محفوظ بود ولی از لحاظ دول دست نشانده بچندین ساتراپ نشین یا ایالت تقسیم میشد و در رأس آن ایالات یکنفر ساتراپ (والی) قرار داشت که بفرمان شاه تعیین میشد ساتراپها نوعاً از بین بزرگان ایران که مورد اعتماد شاه بودند انتخاب میکردند کلیه نظامات و احقاق حقوق و وصول و ایصال مالیاتها و مقررات اجتماعی آن استان در اختیار والی بود و در واقع ساتراپ نایب السلطنه محسوب میشد ساتراپ بوسیله مفتشین مخفی یا علنی مراقبت میشدند که از اختیارات خود سوء استفاده نکنند بازرسان شهریاری که چشم

و گوش شاهنشاه نامیده میشدند در هر سال درخاک ایران گردش میکردند و چون اختیار تام داشتند باعمال و رفتارها رسیدگی میکردند و چنانچه خیانت یا خطائی از ساتراپ مشاهده میشد او را تنبیه یا مستعفی میکردند يك اداره مرتب چاپار ایالات را بمقرسلطنت مربوط میساخت .

داریوش کبیر با اجرای این مقررات و مراقبت دائم در امور کشورداری دارای چنان اقتدار و تمولی گشت که نظیر آن دیده نشده و هیچیک از سلاطین زمان را با او یارای رقابت نبود و بهمین مناسبت بشاه ایران شاهنشاه لقب داده شد .

شاهنشاه ایران دارای سه مرکز یا پایتخت بود ۱ - تخت جمشید ۲ - مشهد مرغاب ۳ - شوش که متناوباً درهر يك، از آنها مدتی اقامت میکرد و در هر يك قصوری باشکوه داشت .

در ایران قدیم پادشاه در رأس کشور قرار گرفته و سلطنت موروثی بود لذا داریوش در کتیبه بیستون نسب خود را بکورش کبیر رسانیده و بعلت اینکه از خاندان هخامنشی است خود را در سلطنت ذیحق میدانند داریوش سلطنت خود اساس دینی و مذهبی داد چنانچه در کتیبه بیستون مینویسد (من بلطف و عنایت اهورامزدا پادشاه هستم و اهورامزدا سلطنت را بمن عطا فرمود)

در ایران قدیم رژیم سلطنت حکومت مطلقه بوده و اراده شاهنشاه اثر قانون داشته اما این اراده شاهانه پس از مشورت با بزرگان و نجبا آنها با رعایت و رسوم و عادات و عرف کشور بیان میشد و تشخیص این امور بعهده قضات محول میشد این قضات بنام (دات بر) یا (دادبر) خوانده شده اند که این قضات میتوانستند در مقررات سلطنتی اعمال نظر کرده و آنچه مصلحت است بعرض برسانند از آن پس بمرحله اجرا درآید .

در آن زمان بنا بمصالحی پادشاه با اقربای نزدیک خود وصلت و ازدواج میکرد این ازدواج میبایست با مشورت و تصویب (دادبر) یعنی همان قضات انجام شود . بعضی از مورخین مخصوصاً اولمستید دانشمند آمریکائی داریوش کبیر را در ردیف حمورابی يك پادشاه مقنن خوانده میگویند داریوش در زمان خود بوضع

قوانین اقدام نمود و از قوانین داریوش مجموعه تشکیل گردید لکن در اثر حوادث آنجموعه از بین رفته است ولی آثار آن در کتیبه‌ها باقی مانده و چنانچه از آثار باقیمانده برمیآید اساس و اصل قوانین داریوش اقتباس از قانون حمورابی است تجارت و معاملات طبق عرف و قانون میشد ولی در اینخصوص قانون مدونی نبوده بلکه سوابق و عرف و عادت ثابتی در بین مردم حکومت میکرده است که مانند قانون ثابت بوده است .

داریوش کبیر بعدالت اجتماعی اهمیت بسیار میداده است در یکی از کتیبه های نقش رستم چنین میگوید داریوش شاه گوید من بفضل اهورمزدا دوست دارم آنچه را راست و درست است و دشمن میدارم آنچه خلاف واقع و دروغ باشد در سلطنت من يك بنده و غلام مزاحم شخص آزاد نشد چنانچه يك شخص آزاد نتوانست بنده و غلامی را آزار دهد داریوش کبیر بدوستی اهمیت فراوان میداده استرابون مورخ یونانی مینویسد وقتی اسکندر مقدونی از مقبره داریوش دیدن کرد عبارت سنگ قبر داریوش را برای او چنین ترجمه کردند .

(من برای دوستانم دوست بودم و هر کاری از دست من ساخته بود)

البرماله در تاریخ ملل شرق مینویسد چون یونانیان با ایرانیان در طی جنگهایی که بجنگ مدی معروف شد تصادف کردند ایرانیان را وحشی نامیدند ولی اطلاق چنین نامی بایرانیان سزاوار نبود ایرانیان قومی متمدن بودند چنانچه راستی و درستی و رعایت قوانین خصیصه آنها بود چون برخاک مشرق زمین دست یافته ترتیب و نظم و نسق در کار آورده و آرامشی برقرار کردند و اداره منظمی ترتیب دادند و عفو و اغماض را در همه جا بکار بستند ولی حکومت ایران مبتنی بر اطاعت پادشاه بود و اراده مطلق شاه در اقصی نقاط کشور بسط داشت هنگامیکه بنای مخاصمه با دولتی شد که آزادی را بر همه چیز ترجیح میدادند شکست خورد و مخاصمه عبارت بودند از قوم و ملت سیت که در دشت روسیه بو حشیگری روزگار میگذرانیدند و ملت یونان که دور آتن جمع شده و آتن کانون تمدنی مهم بود که بتدریج بر تمدن تمام اقوام سبقت میجست .